

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام شرعی

ویژه متقاضیان آزمون های استخدامی، آزمون سردفتری و ...

تهیه شده توسط گروه مؤلفان فاضل

بر اساس نظر اجتهادی

مقام معظم رهبری



احکام شرعی – گروه مؤلفان موسسه فاضل

نظارت: مهندس شهرام کرمی و مجید شعله
صفحه آرا: راضیه درستی مطلق
طرح جلد: مریم مظفری

آدرس : شیراز چهارراه پارامونت ابتدای خیابان قصردشت کوچه ۱
تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲

حضور در کلاس‌های موسسه فاضل بدلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

فهرست مطالب

..... ۷	فصل اول: معنای ولایت فقیه
۷.....	ضرورت ولایت فقیه.....
۷.....	قلمرو ولایت فقیه.....
۹.....	اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید.....
..... ۱۰	فصل دوم: احکام تقلید
۱۰.....	راه‌های شناخت احکام.....
۱۱.....	اقسام تقلید.....
۱۲.....	اعمال بدون تقلید.....
۱۲.....	شرایط مرجع تقلید.....
۱۴.....	تبعیض در تقلید.....
۱۴.....	راه‌های شناخت مجتهد جامع‌الشرائط.....
۱۴.....	راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد.....
۱۵.....	احکام عدول.....
۱۵.....	مسائل متفرقه‌ی تقلید.....
..... ۱۶	فصل سوم: احکام آبها و مُطَهَّرَات و تَخَلَّى و نَجَاسَات.....
۱۶.....	اقسام آبها.....
۱۸.....	مطهرات:.....
۲۱.....	راه‌های ثابت شدن طهارت.....
۲۱.....	اصل طهارت.....
۲۲.....	احکام ظرفها.....
..... ۲۳	فصل چهارم: وضو و تیمم
۲۳.....	شرایط وضو.....
۲۶.....	معنای وضو.....
۲۶.....	کیفیت وضو.....
۲۹.....	سایر احکام وضو.....
۳۰.....	مُبَطَّلَات وضو.....
۳۰.....	احکام وضو.....
۳۰.....	شک در اصل وضو (شک دارد وضو گرفته یا نه).....
۳۱.....	غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت).....
۳۲.....	مس قرآن.....
۳۴.....	موارد تیمم.....
۳۵.....	چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است.....

۳۵ کیفیت تیمم
۳۶ شرایط تیمم
۳۸ احکام تخلی (بول و غایط کردن) (ادرار و مدفوع)
۳۸ استبراء
۳۹ استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط)
۴۰ نجاسات
۴۴ راههای ثابت شدن نجاست
۴۵ احکام نجاسات
۴۵ وسواس و درمان آن

فصل پنجم: غسل - قسمت اول ۴۷

۴۷ معنای غسل
۴۷ اقسام غسل
۴۷ کیفیت غسل
۴۸ شرایط غسل
۴۸ احکام غسل
۴۹ شک در غسل
۴۹ اسباب جنابت
۵۰ احکام غسل جنابت
۵۱ غسل‌های مخصوص بانوان

فصل ششم: احکام نماز ۵۳

۵۳ اقسام نمازها: نمازهای واجب و مستحب
۵۴ مقدار پوشش در نماز
۵۵ شرایط لباس نمازگزار
۵۷ مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد:
۵۸ شرایط مکان نمازگزار:
۶۱ احکام قبله
۶۲ اهمیت نمازهای یومیه
۶۳ تعداد نمازهای یومیه
۶۳ اوقات نمازهای یومیه
۶۴ احکام اوقات نماز
۶۵ ترتیب در بین نمازها
۶۶ اذان و اقامه
۶۷ ارکان نماز

۸۹ مبطلات نماز
۹۱ شکایات نماز
۹۳ نماز قضا
۹۴ نماز استیجاری
۹۵ نماز قضای پدر و مادر
۹۵ مشروعیت و اهمیت نماز جماعت
۹۷ نماز جماعت
۹۸ احکام نماز جماعت
۹۹ شرایط امام جماعت
۱۰۰ مسایل متفرقه‌ی نماز

..... فصل هفتم: احکام روزه ۱۱۴

۱۱۴ معنای روزه
۱۱۴ انواع روزه
۱۱۵ روزه‌های واجب
۱۱۵ شرایط وجوب روزه
۱۱۶ شرایط صحت روزه
۱۱۶ نیت روزه
۱۱۶ روزه‌های واجب:
۱۱۹ مفطرات روزه
۱۲۴ کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان
۱۲۶ کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان
۱۲۷ کفاره‌ی تأخیر
۱۲۷ موارد فدیة
۱۳۱ احکام روزه‌ی قضای پدر و مادر
۱۳۱ احکام روزه‌ی مسافر
۱۳۲ راههای ثابت شدن اول ماه
۱۳۳ مسایل متفرقه‌ی روزه

..... فصل هشتم: خمس ۱۳۴

۱۳۴ وجوب خمس
۱۳۵ منابع هفتگانه خمس
۱۳۵ خمس درآمد
۱۳۵ انواع درآمد
۱۳۶ نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق درآمد

.....	نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق مؤونه.....	۱۴۰
.....	نمونه‌هایی از موارد انطباق مؤونه.....	۱۴۳
.....	نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن.....	۱۴۵
.....	مسائل متفرقه‌ی خمس.....	۱۵۲
.....	فصل نهم: جهاد.....	۱۵۳
.....	معنای جهاد.....	۱۵۳
.....	و جوب جهاد.....	۱۵۳
.....	اقسام جهاد.....	۱۵۳
.....	فصل دهم: انفال.....	۱۵۵
.....	معنای انفال.....	۱۵۵
.....	منابع انفال.....	۱۵۵
.....	فصل یازدهم: امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۷
.....	معنای امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۷
.....	و جوب امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۷
.....	محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۸
.....	شرایط امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۸
.....	مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر.....	۱۶۰
.....	فصل دوازدهم: پوشش و نگاه کردن.....	۱۶۴
.....	پوشش.....	۱۶۴
.....	احکام نگاه کردن.....	۱۶۶
.....	فصل سیزدهم: احکام مساجد.....	۱۶۸
.....	احکام حرام مساجد.....	۱۶۸
.....	احکام مستحب مساجد.....	۱۷۰
.....	فصل چهاردهم: احکام درگذشتگان.....	۱۷۲
.....	غسل مس میت.....	۱۷۲
.....	احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است).....	۱۷۲
.....	واجبات پس از مرگ.....	۱۷۳
.....	غسل میت.....	۱۷۳
.....	حُوط.....	۱۷۴
.....	کفن.....	۱۷۴
.....	نماز میت.....	۱۷۵
.....	احکام نیش قبر.....	۱۷۶
.....	احکام شهید.....	۱۷۷

احكام اسلامى

احكام اعدامى ۱۷۷

سوالات تستى ۱۷۸

منبع: ۲۲۴

فصل اول: معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

توجه:

ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. عدم اعتقاد به ولایت فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت(عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود، و اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

ضرورت ولایت فقیه

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.

توجه:

ولایت فقیه، حکم شرعی تبعیدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

قلمرو ولایت فقیه

۱- اوامر ولایی ولی فقیه

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود چه رسد به مقلدین آنان.

توجه: برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد.

۲- احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان مستمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

۳- اجرای حدود

اجرای حدود (مثل حد زنا و سرقت) در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

۴- مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است.

۵- اداره‌ی رسانه‌های گروهی

اداره‌ی رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه‌ی اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال این گونه امور از آن استفاده می‌شود.

سه نکته در ارتباط با قلمرو ولایت فقیه

- اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه: نماینده‌ی ولی فقیه در صورتی که دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است صادر کرده باشد مخالفت با آنها جایز نیست.

- ولایت اداری: در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری (به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض) وجود ندارد، ولی مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد جایز نیست.

- ولایت تکوینی: ولی فقیه، ولایت تکوینی ندارد. این امر اختصاص به معصومین (ع) دارد.

اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسایل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسایل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

فصل دوم: احکام تقلید

مقدمه

مكلف بايد مسایلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگیرد، مانند مسایل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد گناهکار خواهد بود.

توجه:

مكلف به کسی گفته می شود که واجد شرایط تکلیف باشد:

۱. بلوغ

۲. عقل

۳. قدرت

نشانه های بلوغ یکی از سه چیز است:

۱. روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت (شرمگاه)

۲. احتلام (بیرون آمدن منی)

۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر و تمام شدن ۹ سال قمری در دختر

تا زمانی که یکی از نشانه های بلوغ در فردی تحقق پیدا نکرده شرعاً حکم به بلوغ او نمی شود و مكلف به احکام شرعی نیست.

صرف احتمال این که انبات (رویش موی درشت زیر شکم) یا احتلام زودتر از سن تکلیف ظاهر شده اند برای حکم به بلوغ کفایت نمی کند.

خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می بیند علامت شرعی بلوغ نیست.

همانطور که گفتیم معیار در سن بلوغ، سال قمری است و در صورتی که تولد بر اساس سال شمسی معلوم باشد می توان آن را بر اساس سال قمری از طریق محاسبه اختلاف بین سال قمری و سلا شمسی به دست آورد. (هر سال قمری ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۱۷ ثانیه کمتر از سال شمسی است.)

راه های شناخت احکام

مكلف برای شناخت احکام دین و عمل به آنها سه راه دارد:

۱. اجتهاد

اجتهاد یعنی استنباط و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابع قطعی که نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

۲. احتیاط

احتیاط یعنی عمل کردن به طوری که مطمئن شود وظیفه‌ی شرعی خود را انجام داده است، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند، انجام دهد.

۳. تقلید

تقلید یعنی در احکام دین به مجتهد جامع‌الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

توجه:

- تقلید، علاوه بر این که ادله‌ی لفظی دارد، عقل نیز حکم می‌کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع‌الشرائط مراجعه کند.

مکلف اگر در احکام دین مجتهد نیست باید از کسی که مجتهد است تقلید کند و یا به احتیاط رفتار نماید.

- از آن جایی که عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع‌الشرائط تقلید کند.

- تقلید بر کسی واجب است که واجد سه شرط باشد:

- مکلف باشد.
- مجتهد نباشد.
- محتاط نباشد.

اقسام تقلید

تقلید از یک نظر بر دو قسم است:

۱. ابتدایی: (یعنی تقلید کردن از مجتهد مرده بدون آن که قبلاً در زمان حیات وی از او تقلید کرده باشد) که بنا به احتیاط (واجب) جایز نیست.

۲. بقایی: (یعنی باقی بودن بر تقلید از مجتهد مرده‌یی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده است) که در همه‌ی مسایل حتی در مسایلی که تا کنون مکلف به آنها عمل نکرده جایز و مجزی است.

توجه:

- در تقلید بقایی، فرقی نیست بین آن که مجتهد میت، اعلم باشد یا نباشد، در هر صورت جایز است، ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میت اعلم ترک نشود.

- تقلید ابتدایی از مجتهد میت یا بقا بر تقلید او و حدود آن، باید به تقلید از مجتهد زنده و بنابر احتیاط واجب اعلم باشد. بلی در صورتی که جواز بقا بر تقلید میت، مورد اتفاق فقهای عصر حاضر باشد اجازه از اعلم واجب نیست.

- افرادی که در زمان حیات مجتهد جامع‌الشرائط غیر بالغ بوده‌اند ولی به نحو صحیح از او تقلید کرده‌اند، می‌توانند بعد از فوت آن مجتهد همچنان بر تقلید وی باقی بمانند.

- شخصی که از مجتهدی تقلید می‌کرده و بعد از فوت او در بعضی از مسایل از مجتهد دیگری تقلید کرده است و این مجتهد نیز وفات نموده، می‌تواند مانند گذشته بر تقلید از مجتهد اول در مسایلی که از او عدول نکرده باقی بماند، همچنان که مخیر است در مسایلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

اعمال بدون تقلید

اعمال افرادی که تقلید نمی‌کنند یا تقلید صحیح ندارند در صورتی محکوم به صحت است که:

۱. موافق احتیاط باشد.
۲. یا مطابق واقع باشد.
۳. یا مطابق با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند.

شرایط مرجع تقلید

توجه:

- از کسی باید تقلید کرد که شرایط آن را داشته باشد:

۱. مرد باشد.
۲. بالغ باشد.
۳. عاقل باشد.
۴. شیعه‌ی ۱۲ امامی باشد.
۵. حلال زاده باشد.
۶. بنابر احتیاط (واجب) زنده باشد.
۷. عادل باشد.

- عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می‌شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی بشود.
- عادل کسی است که عدالت داشته باشد، و به عبارت دیگر کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه (ترک واجب یا انجام حرام) نشود.
- برای اثبات و احراز عدالت، حسن ظاهر کافی است.

۸. با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنابر احتیاط واجب، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

۹. مجتهد باشد.

(الف) اجتهاد از یک نظر بر دو قسم است:

۱. اجتهاد مطلق: اجتهادی را گویند که صاحب آن در تمام ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد مطلق را «مجتهد مطلق» نامند.

۲. اجتهاد متجزی: به اجتهادی گفته می‌شود که صاحب آن در برخی از ابواب فقهی، مثل نماز و روزه دارای فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد تجزی را «مجتهد متجزی» می‌گویند.

(ب) فتوای مجتهد مطلق برای خودش حجت است و دیگران هم می‌توانند از او تقلید کنند، و همچنین فتوای مجتهد متجزی، گرچه احتیاط مستحب در ترک تقلید از مجتهد متجزی است.

۱۰. بنابر احتیاط واجب اعلم باشد.

۱. اعلم یعنی کسی که بر استنباط احکام دین توانا تر باشد، و به عبارت دیگر کسی است که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت احکام الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از ادله، استنباط کند، و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاهتر باشد.

۲. دلیل وجوب تقلید از اعلم، بنای عقلا و حکم عقل است.

۳. وجوب تقلید از اعلم بنا به احتیاط واجب در مسایلی است که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد.

۴. به صرف احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست بنا به احتیاط واجب در مسایل مورد اختلاف از غیر اعلم تقلید کرد.

چند نکته در ارتباط با شرایط مرجع تقلید

- در صحت تقلید از مجتهد جامع الشرائط، تصدی مرجعیت یا داشتن رساله‌ی عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلف ثابت شود مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله‌ی عملیه هم ندارد جامع‌الشرائط است می‌تواند از او تقلید کند.

- در تقلید از مجتهد جامع‌الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

- پدران و مادران وظیفه دارند فرزندان تازه به سن تکلیف رسیده‌ی خود را که باید مرجع تقلیدی انتخاب کنند و به خاطر دشوار بودن درک مسأله‌ی تقلید نمی‌توانند به تنهایی وظیفه‌ی شرعی خود را در این باره تشخیص دهند، ارشاد و راهنمایی نمایند.

تبعیض در تقلید

۱. تبعیض در تقلید یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلید کردن.
۲. مقلد می‌تواند هر قسمت از احکام شرعی را از مجتهدی که در آن قسمت تبحر و مهارت بیشتری دارد تقلید کند، مثلاً عبادات را از مجتهدی و معاملات را از مجتهد دیگری تقلید نماید یا احکام فردی را از یکی و احکام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را از دیگری تقلید کند، بلکه اگر علمیت هر یک از مجتهدین در مسایلی که مکلف بنا دارد در آن مسایل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط (واجب)، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسایل مورد نیاز مقلد واجب است.

راه‌های شناخت مجتهد جامع‌الشرائط

از دو راه می‌توان مجتهد حایز شرایط را شناخت:

۱. اطمینان، چه از راه شهرت فراگیر میان مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر.
۲. شهادت دو نفر عادل از اهل خبره، هر چند موجب اطمینان نشود.

توجه:

- اگر بین‌هی شرعی (مثل شهادت دو نفر عادل و اهل خبره) بر صلاحیت و جامع‌الشرائط بودن مجتهدی اقامه شود، تا زمانی که بین‌هی شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بین‌هی حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول اطمینان نباشد، و در این صورت جستجو از بین‌هی معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.

راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد

راه‌های دستیابی به فتوای مجتهد:

۱. شنیدن از خود مجتهد.
۲. شنیدن از دو یا یک نفر عادل.
۳. شنیدن از یک نفر مورد اطمینان.
۴. دیدن در رساله‌ی مجتهد در صورتی که رساله‌ی وی مصون از اشتباه باشد.

توجه:

- در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان حکم شرعی، اجازه داشتن از مجتهد شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود جایز نیست متصدی این کار شود، و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

احکام عدول

الف) مواردی که عدول به غیر اعلم جایز است:

۱. در مسایلی که مجتهد اعلم، فتوا ندارد و غیر اعلم در آن مسأله احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد. (البته با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم بنا بر احتیاط واجب)
 ۲. در مسایلی که فتوای غیر اعلم مخالف فتوای اعلم نباشد.
 ۳. در مسایلی که فتوای اعلم مخالف احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق احتیاط.
- ب) مواردی که عدول جایز نیست:

۱. عدول از مجتهد زنده به مجتهد دیگر بنا به احتیاط واجب جایز نیست مگر این که وی فاقد یکی از شرایط مرجعیت باشد، مثلاً مرجع دوم، اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله‌ی مخالف فتوای مجتهد اول باشد.
۲. رجوع به مجتهد میت بعد از عدول از او به مجتهد زنده در مسایلی که عدول شده جایز نیست.

توجه:

- صرف گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.

مسائل متفرقه‌ی تقلید

۱. هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسأله‌ی پیش بیاید که حکم آن را نمی‌داند، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می‌دهد عمل کند و نماز را به آخر برساند، ولی پس از نماز باید مسأله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند.
۲. جاهل از یک نظر بر دو قسم است:

الف) جاهل قاصر: کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

ب) جاهل مقصر: به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می‌داند ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

۳. احتیاط واجب یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط. در احتیاط واجب مقلد می‌تواند به مجتهد دیگر که احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم رجوع کند.
۴. همه‌ی عبارت‌های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لا یخلو من اشکال» که در کتب فقهی به کار می‌روند، دلالت بر احتیاط دارند مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.
۵. در مقام عمل فرقی بین «جایز نیست» و «حرام است» وجود ندارد.

فصل سوم: احکام آبها و مُطَهَّرَات و تَخَلِّي و نجاسات

اقسام آبها

مُضَاف.

مُطَّلَق:

آب باران

آب جاری

آب راکد: کُر، قلیل.

۱. آب مُضَاف (آب ناخالص و عصاره‌یی)

الف) معنای آب مُضَاف

آب مُضَاف آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون قید و اضافه صحیح نباشد، خواه از چیزی گرفته شود، مانند آب هندوانه، گلاب و مانند آن، یا با چیزی مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند، مانند شربت، آب نمک و مانند آن.

ب) احکام آب مُضَاف

- آب مُضَاف، چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهرات نیست)
- با برخورد به نجاست، نجس می‌شود (هر چند نجاست کم باشد و بسو یا رنگ یا مزه‌ی آب عوض نشود و هر چند آب مُضَاف به اندازه کر باشد)
- وضو و غسل با آب مُضَاف باطل است.

توجه:

- گاهی به آب، موادی اضافه می‌کنند که آن را به رنگ شیر در می‌آورد، این آب، حکم آب مُضَاف را ندارد، (بنابراین می‌توان با آن چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد).

۲. آب مُطَّلَق (آب خالص)

الف) معنای آب مُطَّلَق

آب مُطَّلَق آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون هیچ قید و شرطی صحیح باشد، مانند آب باران و آب چشمه و مانند آن.

ب) اقسام آب مُطَّلَق

از آسمان می‌بارد (باران)

از زمین می‌جوشد (جاری)

نه می‌بارد و نه می‌جوشد (راکد) : ۱. تقریباً ۳۸۴ لیتر است (کر). ۲. کمتر از این مقدار است

(قلیل)

توجه:

آب یا از آسمان می بارد یا از زمین (مخزن زیر زمینی) می جوشد و یا نه می بارد و نه می جوشد. به آبی که از آسمان می بارد «آب باران» گویند، و آبی که از زمین می جوشد «آب جاری» است. آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد «آب راکد» است که اگر حجم آن ۴۲ ۸/۷ و جب (تقریباً ۳۸۴ لیتر) باشد «آب کر» و اگر کمتر از آن باشد «آب قلیل» خواهد بود.

ج) احکام آب مطلق

۱. آب مطلق چیز نجس را پاک می کند (از مطهرات است)
۲. آب مطلق به جز آب قلیل، تا زمانی که بر اثر برخورد با نجاست، رنگ یا بو یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد پاک است.
۳. وضو و غسل با آب مطلق صحیح است.

توجه:

برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است، بنابراین از آن جا که صرف غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی شود، از این رو می توان با آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه‌ی ارومیه چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد.

احکام اقسام آبهای مطلق

الف) آب باران

آب باران اگر به چیزی که نجس شده است ببارد آن را پاک می کند.

ب) آب کر و جاری

۱. اگر چیزی را که نجس شده در آب کر و جاری فرو ببرند آن را پاک می کند و خود نجس نمی شود.
۲. آب کر و جاری اگر با ریخته شدن چیزهای نجس در آن، رنگ یا بو یا مزه‌ی آن تغییر کند، نجس می شود و در این صورت چیزهایی را که نجس شده‌اند، پاک نمی کند.

توجه:

آب کر و جاری در تطهیر هیچ تفاوتی با هم ندارند.

ج) آب قلیل

۱. اگر چیز نجسی در آب قلیل فرو برده شود نجس می شود و چیزی را که نجس شده پاک نمی کند.
۲. اگر آب قلیل را بر روی چیزهایی که نجس شده است بریزند آنها را پاک می کند، ولی آن مقدار آبی که پس از ریخته شدن بر روی نجس، از آن سرازیر می شود، نجس است.

۳. آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می‌ریزد و قسمت پایین آن با نجاست برخورد می‌کند، در صورتی که سرازیری آب به گونه‌یی باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند قسمت بالای آن پاک است.

۴. آب قلیل اگر به کر یا جاری متصل باشد در حکم کر و جاری است.

۵. احکام شک در آب

نکته ۱: آبی که نمی‌دانیم پاک است یا نجس شرعاً پاک است، ولی آبی که نجس بوده و نمی‌دانیم بعداً پاک شده یا نه، در حکم نجس است.

نکته ۲: آبی که به اندازه‌ی کر بوده اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه، در حکم آب کر است.

توجه:

برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب نیست، بلکه اگر حالت سابقه‌ی کر بودن آب احراز شود بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است (مثلاً اگر بدانیم آب موجود در دستشویی های قطار و غیره قبلاً به اندازه‌ی کر یا بیشتر بوده است و شک کنیم از کر افتاده می‌توانیم بنا را بر کر بودن آن بگذاریم)

نکته ۳: آبی که کمتر از کر بوده تا انسان یقین نکند که به مقدار کر شده، حکم آب قلیل را دارد.

مطهرات:

الف) آب.

ب) زمین.

ج) آفتاب.

د) استحاله.

هـ) انتقال.

و) اسلام.

ز) تبعیت.

ح) بر طرف شدن عین نجاست.

ط) استبرای حیوان نجاستخوار.

ی) غایب شدن مسلمان.

توجه:

به چیزهایی که نجس را پاک می‌کند «مطهرات» می‌گویند.

الف) آب

طریقه‌ی تطهیر ظروف:

۱. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، ولی در کر و جاری یک‌بار کافی است.
۲. ظرفی را که سگ در آن، آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست، و اگر با آب قلیل شسته می‌شود باید پس از خاکمال دو مرتبه شسته شود.
۳. ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد باید هفت مرتبه شسته شود، ولی خاکمال آن لازم نیست.

طریقه‌ی تطهیر غیر ظروف:

۱. چیزی که نجس شده است، اگر در صورت بر طرف کردن عین نجاست، یک‌بار آن را در آب کر یا جاری فرو ببرند یا زیر شیری که به کر متصل است بگیرند به طوری که آب به همه‌ی جاهایی که نجس شده برسد پاک می‌شود، و در فرش و لباس و امثال آن بنا بر احتیاط (واجب) باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند. بلی فشار یا تکان لازم نیست خارج آب باشد بلکه داخل آب کافی است.
۲. چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است، هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاک می‌شود، و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از بر طرف شدن عین نجاست اگر یک‌مرتبه شسته شود پاک می‌شود.
۳. چیزی را که با آب قلیل آب می‌کشند، باید آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شود و اگر قابل فشردن است، مانند لباس و فرش باید آن را فشار دهند تا آب از آن جدا شود.

توجه:

- در تطهیر فرش نجس و مانند آن با آب لوله کشی، جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به صرف رسیدن آب به مکان نجس، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله‌ی دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می‌شود.
- ظاهر تنوری که با گِلِ آغشته به آب نجس ساخته شده است، با شستن پاک می‌شود، و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می‌چسبید برای پختن نان کافی است.
- لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می‌کنند چنانچه رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آنها پاک می‌شوند.
- لباسهای نجسی که برای آب کشیدن در ظرفی گذاشته می‌شود و آب لوله کشی روی آن ریخته شده و سراسر آن را فرا می‌گیرد، لباس و ظرف و آب و پرزهایی که از لباس جدا شده و بر روی آب دیده

می‌شود و همراه آب به بیرون می‌ریزد همگی پاک هستند. (البته همانطور که قبلاً گفته شد در لباس و امثال آن بنابر احتیاط باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند)

ب) زمین

کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می‌شود مشروط به این که عین نجاست، زایل شود.

توجه:

- زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده‌ی پا یا ته کفش نیستند.

ج) آفتاب

۱. آفتاب، زمین و همه‌ی اشیا‌ی غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته، مانند در و پنجره و دیوار ستون و امثال آن و درخت و گیاه را پاک می‌کند.

۲. شرایط پاک‌کنندگی آفتاب:

- چیز نجس‌تر باشد.
- عین نجاست در آن نباشد (اگر عین نجاست هست قبل از تابش آفتاب بر طرف شود)
- آفتاب به آن بتابد (چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد)
- به‌وسیله‌ی آفتاب خشک شود (اگر مرطوب بماند پاک نشده است)

د) استحاله

چیز نجس اگر به طوری تغییر یابد که جنس دیگری شود، مانند چوبی که با سوختن خاکستر شود یا شرابی که به سرکه تبدیل شود یا سگی که در نم‌زار بیفتد و تبدیل به نمک شود، پاک می‌شود، ولی اگر جنس آن تغییر نیابد، بلکه فقط صورت آن عوض شود، مانند گندم که آرد می‌شود یا شکر که در آب حل می‌شود، پاک نمی‌شود.

توجه:

- برای تطهیر مواد نجس، مثل روغن نجس، صرف انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد کافی نیست (با این کار، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند)

- به صرف جداسازی مواد معدنی آلوده و میکروبها و غیر آن از آبهای فاضلابها، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند، مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره‌ی بخار به آب انجام شود.

ه) انتقال

خونی که پشه و دیگر حشرات از بدن انسان مکیده‌اند، تا وقتی خون انسان به حساب می‌آید نجس است، (مانند خونی که زالو از بدن انسان مکیده است)، ولی پس از آن که بر اثر گذشت مدتی، خون آن حشره محسوب شد پاک می‌شود.

ح) بر طرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به چیز نجسی آلوده شد، همین که آن چیز برطرف شد، بدن آن حیوان پاک می‌شود و احتیاج به آب کشیدن نیست. همینطور است داخل بدن انسان، مانند داخل دهان یا بینی، مشروط بر این که نجاست از بیرون به آن نرسیده باشد، پس خونی که از دندان می‌آید اگر عین آن در آب دهان از بین برود دهان پاک است.

ی) غایب شدن مسلمان

هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است، و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیزی که نجس بوده است رفتار چیز پاک را می‌کند، آن چیز محکوم به پاکی است، مشروط بر آن که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست با خبر باشد.

راه‌های ثابت شدن طهارت

پاک شدن چیزی از سه راه ثابت می‌شود:

۱. خود انسان یقین کند چیزی که نجس بوده پاک شده است.
۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی را در اختیار دارد (مانند صاحبخانه و فروشنده و خدمتکار) بگوید: پاک شده است.
۳. دو شخص عادل خبر دهند.

توجه:

- هرگاه کودکی که در آستانه بلوغ است از طهارت چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و عبارت دیگر گفته وی در این باره معتبر است.

اصل طهارت

الف) معنای اصل طهارت

به طور کلی در مورد طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد از نظر شرعی محکوم به طهارت است و سؤال و تحقیق لازم نیست.

ب) نمونه‌هایی از موارد اصل طهارت

۱. کودکی که همیشه خود را نجس می‌کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده‌ی غذایی تا زمانی که یقین به نجاست آن حاصل نشده، محکوم به طهارت است.
۲. پرزها یا غباری که معلوم نیست از لباس نجس جدا شده یا لباس پاک، پاک است. همچنین اگر بدانیم از لباس نجس است ولی ندانیم از قسمت پاک لباس است یا قسمت مربوط به نجس آن.

۳. لباسهایی که به خشکشوییها داده می‌شود، اگر از قبل نجس نباشند محکوم به طهارت هستند، هر چند بدانیم که صاحبان این مکانها برای شستن لباسها از مواد شیمیایی استفاده می‌کنند.
۴. ترشح آبی که بر مکانی می‌ریزد که نمی‌دانیم آن مکان پاک است یا نجس، پاک است.
۵. آبی که از ماشینهای حمل زباله‌ی شهری به خیابان می‌ریزد و نمی‌دانیم پاک است یا نجس، محکوم به طهارت است. همچنین آبهایی که در چاله‌های موجود در خیابان جمع می‌شود و معلوم نیست پاک است یا نجس.
۶. لوازم آرایشی، مثل رژ لب که معلوم نیست از مردار ساخته شده یا نه، تا زمانی که نجاست آنها از راه شرعی احراز نشود پاک است و استفاده از آنها اشکالی ندارد.
۷. هنگام استفاده از کفش، در صورتی حکم به نجاست پا می‌شود و بایستی آن را برای نماز شست که یقین داشته باشیم که کفش از پوست حیوانی است که تذکیه نشده و معلوم شود که پا در کفش مذکور عرق کرده، اما در صورت شک در عرق کردن پا یا شک در تذکیه‌ی حیوانی که کفش از پوست آن دوخته شده است محکوم به طهارت است.
۸. قلم مویی که در نقاشی و نقشه کشی و مانند آن استفاده می‌شود و معلوم نیست از موی خوک ساخته شده است یا نه، پاک است و استفاده از آن حتی در اموری هم که مشروط به طهارت است، اشکال ندارد.
۹. فردی که نمی‌دانیم مسلمان است یا کافر محکوم به طهارت است و سؤال از دینش واجب نیست.
۱۰. در و دیوار منازل و هتل‌های کفار غیر کتابی (مثل بودایی‌ها) و اثاثیه و لوازم موجود در آن در صورتی که ندانیم پاک است یا نجس، محکوم به طهارت است. (البته در صورت یقین به نجاست هم، آب کشیدن همه‌ی آنها واجب نیست. آنچه واجب است تطهیر اشیای نجسی است که برای خوردن و آشامیدن و نماز خواندن، مورد استفاده قرار می‌گیرند)
۱۱. اشیای مورد استفاده‌ی مشترک کفار و مسلمانان از قبیل صندلی‌های ماشین و قطار و مانند آن در صورتی که ندانیم پاک است یا نجس، پاک است.
۱۲. الکل‌هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست کننده باشد، محکوم به طهارت است.

احکام ظرف‌ها

خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است، ولی نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.

توجه:

- ظرف‌هایی که آب طلا یا نقره به آن داده شده، و یا از فلزی ساخته شده که قدری طلا یا نقره مخلوط دارد به طوری که به آن ظرف طلا یا نقره نمی‌گویند، حکم ظروف طلا و نقره را ندارند.

سوالات تستی

۱- اگر وقت نماز به قدری تنگ باشد که با وضو گرفتن، نماز قضا می شود باید:

- (الف) تیمم نمود
 (ب) وضو گرفت
 (ج) بدون تیمم و وضو نماز خواند
 (د) بدون تیمم و وضو نماز نخواند.
 پاسخ گزینه الف صحیح است.

۲- نماز خواندن با لباس ابریشم خالص و انگشتر و گردنبند طلا برای مردان:

- (الف) حرام است
 (ب) مستحب است
 (ج) مکروه است
 (د) هیچ کدام
 پاسخ گزینه الف صحیح است.

۳- واجبات نماز، چند تا است؟

- (الف) ۱
 (ب) ۹
 (ج) ۱۱
 (د) ۱۲
 پاسخ گزینه ج صحیح است.

۴- ارکان نماز، چند تا است؟

- (الف) ۵
 (ب) ۶
 (ج) ۷
 (د) ۹
 پاسخ گزینه الف صحیح است.

۵- تکبیره الاحرام در نماز.....

- (الف) رکن است
 (ب) واجب است
 (ج) مستحب است
 (د) باطل است.
 پاسخ گزینه الف صحیح است.

۶- خواندن سوره های سجده دار در نماز:

- (الف) واجب است
 (ب) مستحب است
 (ج) مبطل نماز است
 (د) حرام است
 پاسخ گزینه ج صحیح است.

۷- کسی که جهت قبله را نمی داند باید نماز را:

- (الف) به چهار طرف بخواند
 (ب) به یک طرف بخواند
 (ج) به دو طرف بخواند
 (د) به سه طرف بخواند.
 پاسخ گزینه الف صحیح است.

۸- آیا کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی بخواند؟

- (الف) خیر
 (ب) بلی
 (ج) اول قضا را بخواند بعد نماز مستحبی را
 (د) اول نماز مستحبی بخواند بعد نماز قضا

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۹- کسی که نمی داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است، نماز او چه حکمی دارد؟

- الف) نماز او صحیح است
ب) نماز او باطل است.
ج) در صورت کم بود وقت مانعی ندارد
د) در صورت بودن وقت اعاده کند.

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۱۰- شکهایی که نباید به آن اعتنا نمود، چند تا است؟

- الف) ۱۰
ب) ۸
ج) ۶
د) ۵

پاسخ گزینه ج صحیح است.

۱۱- نماز جمعه در عصر غیبت چه حکمی دارد؟

- الف) واجب عینی است
ب) واجب کفایی است
ج) واجب تخییری است
د) مستحب است

پاسخ گزینه ج صحیح است.

۱۲- کدام یک از موارد زیر ارکان نماز نیست؟

- الف) نیت
ب) تکبیره الاحرام
ج) رکوع
د) قرائت

پاسخ گزینه د صحیح است.

۱۳- اگر شخصی نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد؟

- الف) نمازش صحیح است
ب) نمازش باطل است
ج) مباح است
د) مکروه است

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۱۴- در وضو شستن بیش از دو بار:

- الف) مکروه است
ب) حرام است
ج) مستحب
د) واجب است

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۱۵- شک در نمازهای چند رکعتی باطل است؟

- الف) دو رکعتی
ب) چهار رکعتی
ج) سه رکعتی
د) الف و ج صحیح است

پاسخ گزینه د صحیح است.

۱۶- اگر برای مسح کردن سر و پا رطوبتی در دست نباشد، چه باید کرد؟

- الف) وضو باطل است
ب) احتیاطاً وضوی دیگری باید گرفت

(ج) باید از آب خارج استفاده کرد

(د) با تر کردن دست از رطوبت دیگر اعضای وضو باید مسح کرد

پاسخ گزینه د صحیح است.

۱۷- شخصی پنج دقیقه به آخر وقت نماز، با هواپیما به شهری رفت و برگشت و وقت نماز

تمام شد حال نماز قضایش را چگونه باید بخواند.

(الف) شکسته (ب) تمام

(ج) هم شکسته و هم تمام (د) قضای نماز نه شکسته و نه تمام است.

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۱۸- کسی که نیت نماز می کند، آیا می تواند در میان نماز، نیت خود را به نماز دیگر

برگرداند؟

(الف) نمی تواند

(ب) از نماز بعدی به نماز قبل می تواند

(ج) در هر حال می تواند

(د) از نماز قبل به نماز بعدی می تواند

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۱۹- کسی که بعد از وقت شک کند که نمازش را خوانده یا نه، تکلیفش چیست؟

(الف) نباید اعتنا کند (ب) باید قضا کند

(ج) مستحب است که بخواند (د) مستحب است اعتنا کند.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۲۰- شخصی که نمازش قضا شده و نمی داند چند رکعتی است، وظیفه اش چیست؟

(الف) باید دو رکعت بخواند (ب) سه رکعت بخواند

(ج) چهار رکعت بخواند (د) هر سه مورد را به جا بیاورد

پاسخ گزینه د صحیح است.

۲۱- شخصی که به سوگند خود عمل نکند، چه وظیفه ای دارد؟

(الف) سه روز روزه بگیرد

(ب) باید ده نفر را اطعام کند

(ج) باید ۱۰ نفر لباس بدهد

(د) اگر می تواند لباس یا طعام بدهد و اگر نمی تواند، سه روز روزه بگیرد.

پاسخ گزینه د صحیح است.

۲۲- کسی که به اندازه چهار رکعت وقت دارد، برای خواندن نماز ظهر و عصر چه وظیفه ای دارد؟

الف) نماز عصر را بخواند و بعد نماز ظهر خود را قضا نماید.

ب) نماز ظهر را بخواند و نماز عصر را قضا کند.

ج) فقط واجبات نماز را بطور سریع بخواند تا بتواند هر دو نماز را به جا بیاورد.

د) فقط به ارکان نماز توجه کند و هر دو نماز را به جا بیاورد.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۲۳- اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید به جابیاورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید:

الف) قضای نماز بر او واجب نیست.

ب) نمازش را دوباره بطور شکسته بخواند.

ج) باید قضای نماز را بخواند.

د) نباید قضای نماز را بخواند.

پاسخ گزینه ج صحیح است.

۲۴- اگر کسی بفهمد پشت به قبله و یا به سمت راست یا چپ، نماز به جا آورده چه حکمی دارد؟

الف) نمازش صحیح است در صورتی که جاهل بوده باشد.

ب) در هر حال نمازش باطل است و باید دوباره نماز را بخواند.

ج) نمازش صحیح نیست، ولی چون جاهل بوده، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

د) در هر حال نمازش باطل است و نمی تواند دوباره بخواند.

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۲۵- اگر بین نماز عصر متوجه شویم که نماز ظهر خود را نخوانده ایم، تکلیف چیست؟

الف) نماز را می شکنیم و نماز ظهر را اول می خوانیم.

ب) نماز را به نیت ظهر تبدیل می کنیم.

ج) نمازمان درست است به شرطی که یادمان رفته باشد.

د) می نشینیم و نماز را در همان رکعت تمام می کنیم.

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۲۶- ارکان نماز آنهایی هستند که

الف) اگر عمدا یا سهوا ترک شود، نماز باطل است.

ب) اگر عمدا ترک شود باطل و اگر سهوا ترک شود، نماز صحیح است.

ج) اگر سهوا ترک شود، نماز اشکال ندارد و اگر عمداً ترک شود، نماز صحیح است.

د) اگر عمداً ترک شود محل اشکال است و نماز درست است.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۲۷- ارکان نماز عبارتند از

الف) تکبیر، ذکر، تشهد، قیام، رکوع و سجده

ب) نیت، تکبیر، قیام، رکوع و سجود

ج) نیت، تکبیر، تشهد، ترتیب، موالات و سجده

د) قیام، تکبیر، رکوع، سجده و سلام

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۲۸- شخصی قصد کرده است ده روز در شهری بماند و یک نماز چهار رکعتی خوانده و بعد از

ماندن یک روز از قصد خود منصرف شده است، وظیفه او در برابر نمازهای بعدی چیست؟

الف) تا مسافرت نرفته، نمازش کامل است.

ب) نمازش شکسته می شود.

ج) باید هم تمام بخواند و هم شکسته.

د) نمازش کامل است.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۲۹- شخصی که امام جماعت را عادل می دانسته، بعد از نماز بفهمد که او عادل نبوده، آیا نمازش

صحیح است یا نه؟

الف) صحیح است.

ب) باطل است.

ج) اگر وقت کافی باشد، لازم است نماز را اعاده کند.

د) نماز در نبود وقت اعاده کند.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۳۰- اگر کسی عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم ننماید...

الف) روزه او باطل نیست.

ب) اگر بعد از اذان غسل کند، روزه او باطل نیست.

ج) در هر صورت روزه اش باطل است.

د) قضا و کفاره بر او واجب می شود.

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۳۱- از شروط لباس نماز گزار این است که

الف) لباس نماز گزار باید پاک باشد اگر کسی عمداً با لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل نیست .

ب) اگر نماز گزار نداند که لباس یا بدنش نجس است و بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است .

ج) کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد چنانچه نمازش را بخواند و بعد از نماز بفهمد

که لباسش نجس بوده نمازش صحیح نیست .

د) لباس نماز گزار باید مباح باشد و اگر عمداً با لباس غصبی نماز بخواند نمازش صحیح نیست ولی یک

تکمه یا نخ غصبی اشکال ندارد .

پاسخ گزینه ب صحیح است.

۳۲- نماز جمعه چند قنوت دارد و چه موقع خوانده می شود؟

- الف) یک قنوت دارد و در رکعت اول خوانده می شود.
ب) دو قنوت دارد یکی در رکعت اول قبل از رکوع و دیگری در رکعت دوم بعد از رکوع.
ج) چهار قنوت دارد که در پایان هر رکعت خوانده می شود.
د) دو قنوت، یک قنوت بعد از رکوع اول و یک قنوت در رکعت دوم قبل از رکوع.
پاسخ گزینه ب صحیح است.

۳۳- کسی که در پاک بودن بدن یا لباسش شک دارد چنانچه بعد از نماز بفهمد بدن یا

لباسش نجس بوده

- الف) نماز باطل است.
ب) نمازش صحیح است
ج) باید قضای آن را به جای آورد.
د) بنابر احتیاط باید دوباره بخواند
پاسخ گزینه ب صحیح است.

۳۴- سبحان ربی العظیم و بحمده، یعنی

- الف) خداوند ستایش کسی را که او را می ستایید می شنود.
ب) پاک و منزّه است پروردگار بزرگم و او را می پرستم.
ج) پاک و منزّه است پروردگار بلند مرتبه ام و من به ستایش او مشغولم.
د) پاک و منزّه است پروردگار من و او می شنود.
پاسخ گزینه ب صحیح است.

۳۵- کسی که در مسافرت نمازش شکسته است، آیا می تواند نماز قضای تمام بخواند و روزه

قضا بگیرد؟

- الف) در هیچ یک از دو صورت نمی تواند.
ب) در هر دو مورد می تواند.
ج) می تواند نماز قضا را بخواند، اما نمی تواند روزه قضا بگیرد.
د) می تواند روزه قضا بگیرد، اما نمی تواند نماز قضا بخواند.
پاسخ گزینه ج صحیح است.

۳۶- آیا نماز خواندن روی تخت و تشک امری صحیح است؟

- الف) اگر هنگام نماز تخت حرکت زیادی نداشته باشد نماز صحیح است
ب) اگر بدن در موقع قرائت و ذکر آرام باشد نماز صحیح است
ج) گزینه الف و ب
د) فقط اگر دست و پا در موقع نماز متحرک باشد نماز صحیح است.
پاسخ گزینه ج صحیح است.

۳۷- کدام یک از اجزا واجب است؟

الف) نیت - تکبیره الاحرام - قیام - تشهد

ب) رکوع - سجده - قرائت - ذکر

ج) مورد الف و ب

د) یک رکوع و سجده - قیام بعد از رکوع - قیام متصل به سجده

پاسخ گزینه ج صحیح است.

۳۸- آیا قبل از اذان می توان برای نماز وضو گرفت؟

الف) طبق نظر همه مراجع اگر به قصد داشتن طهارت (نه برای نماز) وضو بگیرد می توان با آن نماز بخواند.

ب) طبق نظر همه علما اشکال دارد.

ج) طبق نظر بعضی از علما در هر صورت اشکال ندارد.

د) طبق نظر برخی از علما در هر صورت اشکال دارد.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۳۹- اگر بعد از نماز متوجه شویم که لباس یا بدن نجس بوده است نماز چه حکمی دارد؟

الف) طبق نظر همه مراجع اگر بعد از نماز متوجه نجس بودن بدن یا لباس شویم نماز صحیح است.

ب) طبق نظر همه مراجع اگر بعد از نماز متوجه نجس بودن بدن یا لباس شویم نماز باطل است.

ج) در هر صورت اشکال ندارد و نماز باطل است.

د) در هر صورت اشکال دارد و نماز صحیح است.

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۴۰- نماز نافله عشاء چگونه است؟

الف) دو رکعت نشسته

ب) چهار رکعت

ج) هشت رکعت

د) دو رکعت ایستاده

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۴۱- اقسام نماز را نام ببرید.

الف) واجب و مستحب

ب) حرام و واجب

ج) مباح و کامل

د) مستحب

پاسخ گزینه الف صحیح است.

۴۲- در حال خواندن حمد و سوره ، بهتر است مردها (بسم الله الرحمن الرحيم) را؟

الف) آهسته بخوانند

ب) بلند بخوانند

ج) تند بخوانند

د) اصلا نخوانند